

## غزل شماره ۱۱

مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما	۱	ساقی به نور باده برافروز جام ما	۱
ای بی خبر ز لذت شرب مدام ما	۲	مادر پیاله عکس رخ یار دیده ایم	۲
ثبت است بر جریده عالم دوام ما	۳	هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق	۳
کاید به جلوه سرو صنوبر خرام ما	۴	چندان بود کرشمه و ناز سسی قدان	۴
زنهار عرضه ده بر جانان پیام ما	۵	ای باد اگر به گلشن احباب بگذری	۵
خود آید آن که یاد نیاری ز نام ما	۶	گو نام ما زیاد به عدا چه می بری	۶
زان رو سپرده اند به مستی زمام ما	۷	مستی به چشم شاهد و لبند ما خوش است	۷
نان حلال شیخ ز آب حرام ما	۸	ترسم که صرف ای نبرد روز بازخواست	۸
باشد که مرغ وصل کند قصد دام ما	۹	حافظ ز دیده دانه اسگی، همی نشان	۹
هستند غرق نعمت حاجی قوام ما	۱۰	دریای اخضر فلک و کشتی هلال	۱۰



## ترج غزل

### معانی لغات غزل

نور باده: باده به نور تشبیه شده (اضافه تشبیهی).  
 برافروز: روشن و درخشان کن.  
 مطرب: سازنده و نوازنده و خواننده آواز.  
 مدام: شراب انگور، همیشه.  
 شرب مدام: شرب دائم، شرب همیشه، شرب شراب.  
 جریده: دفتر.  
 دوام: ثبات، جاودانگی.  
 کرشمه: ناز و غمزه و اشارات دلبرانه با چشم و ابرو.  
 سهی: موزون، راست و مستقیم.  
 سهی قدان: موزون قامتان، بلند بالایان.  
 صنوبر: از خانواده کاج و صنوبر خرام به معنای جلوه و خرامیدن صنوبری.  
 گلشن احباب: (استعاره) مجلس دوستان.  
 زنه‌ار: زینهار، امان، الأمان!، الحذر، خدا را، حتما و مؤکدا.  
 عرضه ده: عرض کن، برسان.  
 عمدا: از روی عمد، قصد.  
 شاهد دل‌بند: (استعاره) محبوب دوست داشتنی.  
 زمام: اختیار.  
 صرفه: نفع، فایده، بهره.  
 آب حرام: (استعاره) شراب مرغ وصل: (اضافه تشبیهی) وصل به مرغ تشبیه شده است.

### بیت اول

الف: ای ساقی با باده رخشان، پیاله ما را روشن و لبالب کن و ای مطرب برخوان و بگو: کار جهان به کام ما شد.

ب: ای ساقی با باده زلال و روشن پیاله ما را درخشان کن و ای مطرب بگو که کار جهان به کار ما شد...

## بیت دوم

الف: (بگو که) ما در پیاله عکس روی محبوب دیده‌ایم، ای بی‌خبر ز لذت شراب خواری ما.  
ب: به بیخبران از لذت شراب خواری ما بگو که ما در پیاله شراب عکس روی محبوب خود را دیده‌ایم.

## بیت سوم

کسی که دلش با نیروی عشق می‌تپد و زنده است هرگز نمی‌میرد (بدین سبب) در دفتر روزگار نام ما جاویدان و با ثبات است.

## بیت چهارم

ناز و کرشمه دلبران بلند بالا تا زمانی خریدار دارد که محبوب سرو رفتار ما جلوه‌گری نکرده است.

## بیت پنجم

ای باد صبا اگر گذارت به مجلس دوستان افتاد از برای خدا این پیام ما را به گوش جانان برسان:

## بیت ششم

بگو چرا عمدا وانمود می‌کنی که نام ما را فراموش کرده‌ای؟ دیری نمی‌گذرد که ما در می‌گذریم و نام ما را از یاد خواهی برد.

## بیت هفتم

الف: مستی زیننده چشم محبوب دل‌بند ماست بدین سبب عنان اختیار ما را به دست چشم مستی داده‌اند.

ب: در چشم محبوب دل‌بند ما حالت مستی و بیخودی از شراب زیننده است بدین سبب زمام عقل ما را به دست مستی سپرده‌اند.

## بیت هشتم

از آن می‌ترسم که به هنگام پرسش و پاسخ روز قیامت، نان حلالی را که شیخ (از محلّ جیره موقوفات مدرسه سهمیه طلاب) خورده است امتیاز و فضیلتی از شراب حرامی که ما خورده‌ایم کسب نکند.

## بیت نهم

حافظ دانه‌های گوهر اشکت را (به پای محبوب) نثار کن. شاید مرغ وصال جانان به خاطر این دانه‌ها به دام افتد.

## بیت دهم

دریای سبز سپهرگردون و کشتی هلال ماه آن، همگی در دریای نعمت حاجی قوام غرقند.  
میر کرمانی: ای روی دلفریب تو ماه تمام ماوی از نسیم زلف تو مشکین مشام ما\*

۱. این غزل یکی از غزل‌های متعارف حافظ است که می‌شود گفت بدون هیچ انگیزه سیاسی و یا شرح رویدادی سروده شده است و با توجه به بیت مقطع آن به نظر می‌رسد شاعر در زمانی جز از زمان سرودن غزل با اضافه کردن ای ن بیت، غزل را به نام حاجی قوام الدین حسن تمغاچی نموده و به او هدیه کرده است.

۲. حاجی قوام الدین حسن تمغاچی مأمور مالیات و امور مالی دربار شیخ ابو اسحاق و از دوستان خواجه حافظ بوده است. او از اکابر فارس بود و در تاریخ ششم ربیع الاول سال ۷۵۴ هجری یعنی زمانی که شیراز در محاصره امیر مبارز الدین بود فوت کرد و مرگ او ضربه بزرگی به شیخ ابو اسحاق و دوست او حافظ وارد آورد. حافظ در پنج مورد در سراسر دیوان فعلی خود از او یاد کرده است که یکی از آنها قطعه‌یی در رحلت اوست و به جای خود به آنها اشاره خواهد شد.

\*\*\*\*

شرح جلالی بر حافظ - دکتر عبدالحسین جلالیان